

(باچنان شوکت و علو مقام دیدی آخر چگونه شد بهرام) ۱۳ -
 اردشیر باکان : در اینکه پادشاه با کفایت باسیاستی بوده شکی نیست -
 برای اثبات مقام دانشمندی او مکتوب اندرزنامه که ابن ابی الحدید
 در شرح نهج البلاغه نقل کرده است (بر فرض صحت) کافی است -
 مرحوم فروغی در تاریخ ساسانیان از قول بعض مورخین نسبت تألیف
 دو کتاب به (اردشیر) داده است : یکی کتاب (کارنامه) که مصنفین
 عرب بنام (کارنامهج) نوشته اند و دیگر کتاب باسم (شیوة سور) که
 بضبط مولفین نازی نامش (آداب العیش) است در آداب معاشرت و رسم
 و راه خوردن و آشامیدن . - در خصوص کتاب (کارنامه اردشیر)
 گذشت که بروایت بعضی در اواخر قرن ششم میلادی نوشته شده و
 بعقیده بعضی مستشرقین اصلاً مربوط بقرون بعد از دوره ساسانی است
 ۱۴ - آذر بادین زر آستان حکیم : در خصوص احوال او اطلاعی
 کامل در دست نیست جز اینکه شمس الدین محمد بن قیس رازی در کتاب المعجم
 (ص ۱۶۹ طبع برون) در ذیل شعر فارسی که نسبت بهرام گور داده اند
 (هتم ان ییل دعان الخ) مینویسد و در بعض کتب فرس دیده ام که
 علماء عصر بهرام هیچ چیز از اخلاق و احوال او مستهجن ندیدند
 الا قول شعر پس چون نوبت پادشاهی بدو رسید و ملک بروی فرار
 گرفت آذر بادین زر آستان حکیم پیش وی آمد و در معرض نصیحت
 گفت ای پادشاه بدانکه انشاء شعر از کبار معایب ملوک و ذمی
 عادات پادشاهان است ، الخ - بر فرض صحت مقام حکمت و

درایت او از همین نصیحت واضح میشود ۱۵ - فرشادشیر : مؤلفین عرب او را (فرسادشیر) یا (فرساوشیر) ضبط کرده‌اند و او را از جمله حکما و دانشمندان قبل از اسلام شمرده‌اند ۱۶ - جاماسب حکیم اصل اسم او (گاماسب) بوده و مؤلفین عرب او را (جاماسب) یا (جاماسف) ضبط کرده‌اند - شخصی باین نام در حکمای عجم مشهور و اقوال و عقاید را مخصوصاً در کتب احکام و نجوم و آثار قبری منسوب باو در بلوک خفر فارس معروف است - مطابق نقل مؤلفین ایرانی و عرب جاماسب حکیم برادر کشتاسب بن لهراسب بوده و نزد زردشت کسب علوم و معارف کرده است و کتانی بنام (جاماسب نامه) باو منسوب است که بطور رمز از اخبار آینده در آن کتاب خبر داده است و کلمات بزرگ و نصاب حدیثانه در خلال مسطورات تاریخی و اخلاقی از او نقل کرده‌اند . - ممکن است که این جاماسب همان کس باشد که وزیر (ویشتاسب) پادشاه باختر بوده که بعد از مهاجرت زردشت بان نواحی حمایت از او کرده و در ترویج آئین او کوشیده و دختر زردشت را بزوجیت قبول نموده است .

۱۷ - فرهاد گوهکن - موضوع افسانه شیرین (فرهاد و شیرین) است و مورخین ایرانی او را یکی از حجاران و صنعتگران شیرین کار زمان خسرو پرویز نوشته‌اند . - نظامی فریابد : (که هست اینجا مهندس مردی استاد) (جوانی نام او فرزانه فرهاد) (بوقت هندسه عبرت نهائی) بحسطنی دان و اقلیدس کشائی) (به لیشه چون سر صنعت بخارده) (زمین را مرغ بر ماهی

نکارد) (بصنعت سرخ گل را رنگ بندد) (به آهن نقش چین برسنگ بندد) - بر فرض اینکه فرهاد شخص تاریخی باشد میتوان کلیاتی از احوال او را در ضمن مثنوی خسرو شیرین نظامی بدست آورد و قسمتی از حجاریهای بیستون را از شیرین کاریهای او نوشته‌اند (صورتی در بیستون فرهاد مسکین کننده است آفرین بر دست و بازویش چه شیرین کننده است).

زردشت و کتاب اوستا

اشخاصی که اسم برده شد اغلب مربوط به ساسانیان بودند - جای آنستکه این فصل را بشمه از شرح احوال زردشت ختم کنیم - سابقاً در ضمن تاریخ ادبیات دوره قدیم اشاره بتاریخ زندگانی او شد و در اینجا محض تذکار می‌کنیم :

زردشت یا (زرتشت) یا (زراتشت) یا (زراتوشترا) یا (زرتشترا) و همچنین با املاهای مختلف دیگر؛ همه جا در تواریخ و تذکره‌های حکما و دانشمندان بعنوان مرد حکیم و دانای کامل متعرض اسم و شرح حال او شده‌اند و در میان پارسیان زرتشتی بمقام نبوت معروف بوده و هست - زرتشت مرد حکیم دانشمند برگزیده بوده و تعلیمات اخلاقی و علمی او (از قبیل طب و نجوم و طبیعیات) عموم طبقات خاصه پیروانش را بسیار مفید بوده است مذاهب زرتشت در ایران مخصوصاً در عهد ساسانیان مذهب رسمی و قوانین موضوعه او قوانین رسمی مملکتی بوده است و در این زمان هم جمعی از پیروان این آئین خاصه در هندوستان و بعض بلاد ایران

(مانند یزد و کرمان) وجود دارند .

راجع بزمان زردشت و محل تولد و زبان اوستا و سایر خصوصیات احوالش عقاید مختلفه اظهار شده است - عقیده که اخیراً خیلی طرفدار پیدا کرده این است که ولادتش در قرن هفتم قبل از میلاد و وفاتش در نیمه اول قرن ششم قبل از میلاد بوده است (سابقاً نقل کردیم که در سال ۵۸۳ ق م در هفتاد سالگی در روی یله های معبد بلخ بقتل رسیده است) - مطابق بعض روایات پدرش (پ اورشسب) و بضبط بعضی (پوروشاسپتا) از دودمان (اسپیاها) و مادرش (دوغذ) نام و یکی از دخترانش (پروچیسث) زوجه جاماسب و وزیر کشتاسب بوده است - شهر ستانی در کتاب ملل و نحل اسم پدر و مادر او را نزدیک بنچه نوشتیم نوشته و میگوید (ابو کان من آذربایجان و امه من الری) و قطب لاهیجی در تذکره حکما در این جهت متابعت شهر ستانی را کرده است . - بعضی محل تولد زردشت را (ری) و جمعی از اهل تحقیق آذربایجان (انروپاتن) در حوالی دریاچه ارومیه دانسته اند . - زردشت در ۲۰ سالگی عزلت اختیار کرده و قسمت عمده جوانی خود را بر ریاضت و انزوا گذرانده و در ۳۰ سالگی عقیده اظهار و مذهبی اشکار ساخته و مردم را بکیش خویش دعوت نموده است و ابتدا در وطن خود به تبلیغ و اشاعه مذهب خویش پرداخته و چون روی مساعدتی ندیده است ناچار مجبور بترك وطن و بطرف باختر [۱] رهسپار گشته است و پادشاه باختر موسوم

[۱] باختر یا (باکتریا) عبارت از خوارزم و بخارا و افغانستان و بلوچستان

به (ویشناسب) یا (کشتاسب) مقدم او را کرامی داشته و بار ایمان آورده است و جاماسب وزیر کشتاسب نیز از او حمایت کرده و باین سبب در اندک وقتی مذهب زردشت در ایران و توران و هند و آسیای صغیر انتشار یافته و طرفدارانی پیدا کرده است و بالاخره در ضمن یکی از جنگهای سیاسی یا مذهبی ارجاسب شاه تورانی با ویشناسب شاه و بیروان مذهب جدید و غلبه ارجاسب شاه بر باختر بقول بعضی در ۸۳ ق م کشته شده است [۱].

کتاب مذهبی معروف زردشت همان کتاب [اوستا] است که پیش از این راجع بتقسیمات آن چیزی نوشتیم - اوستائی که در زمان هخامنشی بوده مطابق بعض عقاید بدست اسکندر مقدونی سوخته شده و بعد نسخه از آن از جایی بدست یونانیان افتاده و از قسمتهای علمی آنچه راجع بطب و نجوم بوده است بیونانی ترجمه کرده و بعد آن را بآتش انداخته اند - بلاش اول اشکانی امر بجمع آوری اوستا کرده و در زمان اردشیر اول تن سرنامی که هیرندان هیربد بوده است آنرا مرتب ساخته و پس از

و سمرقند و هرات و قندهار و سیستان و کابل و مرکز آن بلخ بوده است و چون دو قدیم بلخ را باختر میگفته اند تمام این مملکت بنام باختر معروف شده است .

[۲] جناب مشیرالدوله در تاریخ ایران مینویسد زردشت در اواخر عمر بجنگهایی برای اشاعه مذهب خود پرداخت و وقتی که بامرهم هیون در مقام مدافعه جنگ میکرد کشته شد و هیون مردمان تورانی بوده اند و سردار دشمنان (ابرج نشب) یا ارجاسب و قاتل زردشت توری بر اتروغش نام داشته است .

آن شایور اول آنچه را که از اوستا راجع بعلم طب و ستاره شناسی و فلسفه و جغرافیا بر داشته بودند از یونان و هند و سایر جاها جمع کرده باوستا افزود و در زمان شاپور بزرگ اوستا رسمیت پیدا کرد است [۱] - خلاصه کتاب [اوستا] یکی از کتب مهم قدیم پارسیان است که اغلب دستخوش تحریف و تصحیف شده آنچه باقیمانده اندکی از بسیار و مستقی از نمونه خروار است - خصوصیات روحی زردشت را میتوان از بعض قسمتهای این کتاب اکتشاف کرد والله الموفق .

اوستا که در پهلوی (بستاک) یا (اوستاک) و عربها (وستاق) گویند مطابق روایات پهلوی و مورخین ایرانی و عرب در اصل بیست و یک کتاب بستاک بوده است [۲] مشتمل بر احکام شریعت و اخلاق و نجوم و هیئت و تاریخ و فلسفه و غیره که بروایت طبری و مسعودی آنها را بروی دوازده هزار پوست گاو نوشته بوده اند و تمام آنها تألیف یک نفر و راجع بیک زمان و یک زبان نبوده است [۳] و آنچه اکنون در دست است نسبت باصل اوستا خیلی مختصر است .

[۱] عیناً این قسمت از تاریخ مشیرالدوله اقتباس شده است .

[۲] زردشتیان دعائی دارند مشتمل برستایش زردشت که بیست و یک لفظ دارد

و هر لفظی از این دعا را نام یکی از کتابهای اوستای اصل قرار داده اند .

[۳] بعضی از قول یلنی مورخ یونان نقل کرده اند که کتاب زردشت دومليون

ابات میشد - و بقول بعضی مجموع ۲۱ نساك اوستا در ضمن ۱۴ قرن (از قرن

۱۲ ق م بعد) بتدریج درست شده است .

سابقاً در ذیل عنوان (زبان زند و سانسکریت) قسمت‌های اوستای کنونی را نوشتیم و بارها گفته ایم که از همه مهتر قسمت (گاتا) است که منسوب بشخص زردشت و کرانبهانرین یادگار ادبی قدیم ایران است: گاتها - یا سرودهای قدیم اوستا که بزبان سانسکریت (گیتا) گفته میشود عبارت است از هفده سرود در جمله هفتاد دو یسنا از قسمت (یسنا) که در سانسکریت (یجنا) گفته میشود. - یسنا بمعنی ستایش و نیایش و نام یکی از قسمتهای اوستاست که مشتمل بر هفتاد و دو فقره سرودها و مناجات‌ها و دعوائی است که در مواقع عبادت یا آداب مخصوصی [۱] میخوانده و نجا میآورده اند - گاتها در اواسط کتاب یسناست باین ترتیب که سرود اولی یسنای بیست و هشتم و دوم بیست و نهم و همچنین تا یسنای سی و چهارم که سرود هفتم است و بعد از آن یسنای چهل و سوم سرود هشتم است و هكذا ترتیب تا پنجاه و سوم که سرود هفدهم است - سرودهای گاتا عموماً شعر یا بتعبیر بعضی (نثر مسجع) است و ابیانش باعتبار عدة مصراعها پنج قسم است :

۱ - اهورنرایی ۲ - اوستوایی ۳ - سینمایینیو ۴ - وهوخشترای و هشتوی [۲] و این اسامی بمناسبت کلمه اول هر سرودی گذاشته شده

[۱] در موقع عبادت چیزهایی از قبیل ، آب ، شیر ، گوشت ، شاخه از درخت (هوما) ، شیره همان صکیاه و غیره را میگذاشته اند و عصارة گیاه هومارا بر بجم آتش میریخته اند و مشغول عبادت میشده اند .

[۲] رجوع شود بجاشیه سابق ص ۲۳۳ و ص ۲۳۴ .

است (نظیر اسامی بعضی سوره قرآن: طه، یس، عم [۱]) - عموماً قسمت (بسنا) مشتمل بر مطالب اخلاقی و نصایح شیرین و مضامین شعری خبلی ساده طبیعی است مخصوصاً (گانها) علاوه بر روح تعلیمی و اخلاقی دارای مضامین شعری دلچسب و کاملاً نامالحت است - قسمتی از این سروردها مناجاتهای صمیمانه با حال و گاهی مخلوط با شکایتها و درد دلوائی است که گوینده با لحن موثری با معبود خود داشته است - و قسمتی اظهار مسرت و کاروائی و نکوهش مخالفین دین و تمجید و بشتاسب است بواسطهٔ کرویدن نعمة جدید و پیدا شدن دوستانی بعد از مدتی آوارگی و بیچارگی از دست دشمنان - و قسمتی متضمن بیان مطالب و کشف حقایق و نصایح حکیمانه است - و یک سرود راجع است بازواج جاماسب با دختر زردشت بالاخره هر قسمتی از (گانها) متعلق بمطلبی و حاکی از معنائی است .

محض تکمیل مطالب عین عبارت سرود دوم (بسنای بدست و نهم) و سرود نهم (بسنای چهل و چهارم) را از کتاب ایران نامه در اینجا نقل میکنیم :

سرود دوم گانها - کشای لیا ، گوش ، اروا ، گرزدا ، کههای ،
 ماهوارزدم ، که مانت ، آما ، آیشمو ، هازبجا ، ریمو ، اهیشایا ،
 درسچا ، نوس چا ، نوات ، موای ، واستا ، کشمت ، اینو ، ادها ،

[۱] عین این تشبیه را صاحب ایران نامه کرده است و بعضی مطالب ما در اینجا

موای، سسنا، وهه، واستریا،
 یعنی بشما روان گاو فریاد میبرد از چه مرا آفریدید برای که
 مرا ساختید بر من دیو (ایشیمو) تعدی مینماید بد رفتاری و ظلم میکنند
 نیست مرا چوپان جز تو دیگر لذا مرا بیاموزید خوب دهقانی .
 سرود نهم گائها - تد، تها، پرسا، ازش، موائی، وچها،
 اهورا، - کسنا، زاتها، پتا، اشه یا، پارروویو - کسنا کنک، استارم
 چا، داد، ادوانم، - که یا، و اکشایابتی، رفسایتی، تهاود - تاچد،
 مردا، وسمی، انیاچا، دیدویه .

و اما (وندیداد) که یکی از اجزای اوستاست مشتمل بر بیست
 و دو فصل است : ۱ - راجع بقسمتی از جغرافیای همانک آریائی ۲ -
 افسانه (یما) یسر (ویوان هان) که مراد جمشید است ۳ - تا ۷ -
 مشتمل بر دستور العملهای حمل جنازه و آداب آن و نیز مطالبی که مردم
 را بعبادت و زراعت و تربیت حیوانات تشویق میکند ۷ - تا ۱۲ -
 در احکام نجاسات است ۱۲ - تا ۱۵ - راجع بتربیت سگ و اقسام
 آن است ۱۶ - در احکام حیض ۱۷ - در امور تنظیفیه از قبیل ناخن
 گرفتن و اصلاح موی سر و غیره ۱۸ - تعریف خروس و تشخیص پاره از
 جرابم ۱۹ - راجع باینکه شیطان خواست زردشت را فریب دهد و
 موفق نکشت ۲۰ - افسانه فریدون ۲۱ - تعریف گاو و باران و آب
 و ماه ۲۲ - دعائی که برای دفع امراض اهریمنی خوانده میشود .
 و اما (یشت) مشتمل بر بیست و چهار سرود است متعلق به

موجودات عالی حلقه و قسمتی هم متضمن حماسه های ملی است - رتبه
 پشت درعالم ادب بعد از کاتها بر سایر اجزاء اوستا مقدم است - و
 همانطور که کاتها در اوستا حکم ویک ودای کتاب مقدس هندوها را
 دارد؛ پشت هم حکم کتاب مهابهاراته (Mahâbhârata) و
 رامایانا (Ramâyana) را دارد .

واما (ویسپرو) بیست و چهار فصل دارد که انواع عبادت و
 آداب آنهاست .

واما قسمتهای دیگری که ملحق باوستا شده است از قبیل ستایش
 های خورشید و ماه و آب و آتش و ادعیه سی روزه ماه و غیره تاریخ
 آنها متأخر از قسمتهای دیگر و از نقطه نظر ادبی با اجزای دیگر قابل
 قیاس نیست .

از اوائل مائه هجدهم میلادی مستشرقین فاضل در صدد کشف
 مطالب کتاب اوستا برآمدند و در این راه بذل مساعی لازمه بکار
 بردند و از آنجمله انکتیل دوپرون (Anquetil daperron)
 فرانسوی است که زحمات بسیاری کشیده و کتابی راجع بفرسه و
 علوم طبیعی و عبادات و قوانین مقررہ زردشت در تحت عنوان «زند
 اوستا» تألیف و در (۱۱۷۷ م) نشر کرده است - و دیگر فاضل محترم
 بورنوف (Bournouf) فرانسوی است که کتابی در هشتصد صفحه
 بعنوان (تفسیر یاسنا) تألیف نموده و در (۱۸۳۳ - ۱۸۳۵ م)
 طبع و نشر شده است . و فضلا و مستشرقین دیگر نیز هستند که در

اینرا خدمت‌های شایانی انجام داده اند .

مذهب و تعلیمات زردشت

چنانکه گفتیم زردشت مرد حکیم دانشمندی بوده است و تعلیمات اخلاقی و مذهبی او خیلی فیلسوفانه و بحال پیروانش نافع بوده است - ولی این مذهب هم مثل مذاهب عالم بعدی دچار اوهام و خرافات و اشتباهات شده است که باین زودیهها اساس اصلی آن مملوم نمیشود و بعد از تتبع و زحمت بسیار باید ازس هزاران پرده ظلمت نورضعیفی از آن مشاهده کرد - تحقیق جزئیات مطالب عجله از عهده ما و این کتاب خارج است اندازه که محل احتیاج ماست چیزی مینویسیم : بسیار بلکه تمام مذاهب قدیمه آریتهای ایرانی و هندیها مخصوصاً هر کدام بنحوی دم از نور و ظلمت و یزدان و اهریمن و خیر و شر میزنند و این دو دسته از نژاد آریین آنچه معلوم است تا حدود (۱۳۵۰ ق م) هم مذهب بوده اند و شاید ما این قرن نهم و چهاردهم ما این آنها جدائی مذهبی رخ داده است - ستایش نور و مظاهر روشنائی و وحشت از تاریکی و نفرت از مظاهر ظلمت در قدیمترین یادگار مذهبی و ادبی این دو دسته یعنی (اوستا) و (ودا) بخوبی مکشوف است - وقتی که وقت و تتبع میکنیم می بینیم این طوائف در ابتدا يك مذهب ساده طبیعی داشته اند و تدریجاً بطوری حقایق در لفافه موهومات و مجازات بیچیده شده است که گاهی صورت بت پرستی و عبادت اجسام بیروح بخود گرفته

است و بالاخره از يك ريشه كوچكى چندين شاخه مختلفى روئیده شده است. و در اين ميانه علامتي هر مذهبي براي سر و صورت دادن عقايد ديني خود شاخ و برگهايي بر آن بسته اند. يكديسته ميگويند « نور و ظلمت دو چيز ازلي قديم هستند كه مدبر عالم خلقتند » و آنها با اصطلاح متكلمين اسلام به (تنويه) معروفند و يكديسته ميگويند « نور موجود ازلي قديم و ظلمت حادث است » و در كيفيت حدوث ظلمت و امتزاج آن در عالم خلق با نور حرفها دارند - براي فهم عقايد و تفكيك مذهبي كه كه نور و ظلمت و يزدان و اهریمن قائل هستند رجوع شود بكتب متكلمين . كلام ما در موضوع زردشت است :

زردشت - قائل بمبدأ واحد مجردی برای موجودات است كه آنرا (اهور مزدا) خوانند و نور و ظلمت يا يزدان و اهریمن [۱] هر دو را حادث ميداند (نور را بالذات و ظلمت را بوجود تبعی طلئی) و معتقد است كه نظام رفوای هستي بواسطه امتزاج نور و ظلمت و لشكر يزدان و اهریمن و بمبارة اخري آميزش قوه و ماده پايدار ميشود و مرجع تمام خيرات يزدان است و مرجع شرور اهریمن و دائم لشكر يزدان و اهریمنان در جنگند و وقتی عالم بمعادت رسیده و نبي آدم نيك بخت خواهند شد كه نژاد اهریمن تمام و نابود گردد. - زردشت بدو عالم

[۱] اورمزد به معنی موجود مفارق منزه است - و يزدان را زاده اورمزد

ميدانند - و بعضی نوشته اند كه « اهریمن يا از ربوان مأخوذ است يا از اريمان يعني نور مانند .

معتقد است: یکی روحانی یا (میترو) و یکی جسمانی یا گیتی (و آنچه در عالم است بدو قسم تقسیم میکنند: تقدیر یا (بخشش) و فعل یا (کنش) - و حرکات و افعال انسان را سه قسم میکنند: اعتقاد یا (منش)، گفتار یا (گویش)، رفتار یا (کنش) - و وقتی انسان در مرتبه سعادت عالی رسیده و بیزدان نزدیک شده و اهل بهشت است که هر سه چیزش اصلاح و دارای، اراده نیک، گفتار نیک، کردار نیک، شده باشد. زردشت میگوید - بنای آفرینش عالم بر اضداد است و این خاکدان میدان مبارزه نیکی و بدی با جنود بزدان و اهرمن و کائنات مابین کیر و دار این قوی واقعند و سعادت و شقاوت بشر بسته پیروی این دو چیز متضاد است و بهشت جاویدان منزل پیروان بزدان و صاحبان نیت و گفتار و کردار نیک است و دوزخ جنی اتباع یلیدان و ارواح اهرمنی - و نیز میگوید - اهورمزدا که نور مفارق محض است با هیولای گیتی بواسطه قوای نورانی یا امشاسیندان (Amchaspand) ارتباط پیدا میکند و بتوسط آنها افاضه نور از مبدأ مجرد بهستیهای آخشیجی میشود - امشاسیندان عبارتند از: وهومانا (Vôhmanah) یا (بهمن)، اشاواشتیا (آسا واهیستا) (Asa vahista) یا (اردی بهشت)، خساترا و ایریا (خساترا وریا) (Khsathra vairya) یا (شهریور)، سپانتا آرمایتی (Çpenta ârmaiti) یا (اسبندار مد)، هروانات (Haurvatât) یا (خورداد)، آمرنات (Amretât) یا (امرداد - مرداد)

هر کدام از امشاسپندان مدبر^۱ امری در عالم کون هستند - و هر
مقابل وضد هر يك از اینها انرا مانیو (Anra mainyu) یا
(انگرامانیو - اهرمن) روح زشتی را ظاهر ساخته است - اکامانا
(Aka manah) در مقابل وهومانا - آندرا (Andra)
در مقابل اردیبهشت - سُرو (Çauru) در مقابل شهریور - نا^۲ اناهایتیا
(Naonhathya) در مقابل اسپندارمذ - تُرو (Tauru)
در مقابل خورداد - زریکا (Zairica) در مقابل مرداد .

و هر يك از اسامی روزها و ماههای فارسی نام فرشته است که
مدبر^۱ مصالح آنماه و روز است [۱] .

زردشت خود مدعی است که با امشاسپندان ارتباط یافته و از
آنها استفاده علوم کرده و نیز بی واسطه با اورمزد ارتباط یافته از او
اخذ انوار دانش کرده است [۲] .

[۱] تعبیر زندان و اهرمن و امشاسپندان و فرشتگان و واسطه ارتباط اورمزد با خشیجیان
و مینو و کتی و غیره خیلی شبیه است به تعبیر رحمان و شیطان و ملائکه مقربین دنیا و آخرت در
زبان اسلام - و وجود رمایت و هیولی و صورت و مادی و مجرد و عقول قدسیه و عالم خلق و امر
و کیفیت ربط واجب با ممکن و غیره در زبان فلاسفه و مکالمین و برای تحقیق کامل رجوع
بکتاب آنها شود و بعینه ما (کتکزه و بران کنبد از منجیق تا رود فرق از میان این
فریق) .

[۲] قسمت عمده از مطالب این فصل مأخوذ است از کتب زردشتیان و تاریخ
طبری و مسعودی و ملل و نحل شهرستانی و آئینه اسکندری و ایران نامه میرزا عباس
شوشتری منطبقه جبر آباد کن و الله العالم بحقایق الامور .

در مذهب زردشت کاملاً از تجرد و گوشه نشینی و بدویت نهی شده و با آبادی و جمعیت و مدنیت و نظافت و تربیت اطفال و نگاهداری حیوانات نافع از قبیل گاو و گوسفند و زراعت و غرس اشجار و امثال آنها خیلی توصیه شده است (ثواب نشاندن درختی و افشاندن تخمی زدا آنها از هر دعا و عبادتی بالاتر است) - و در طهارت و نجاست و دفن اموات و غیره قوانین سودمندی دارد .

زردشت کسب علوم و آداب را خیلی اهمیت داده و خود اقسام و انواع آنها را ب مردم میآموخته است .

تذیبه : آنچه تا کنون نوشتیم راجع باحوال و عقاید زردشت اولی

بوده است که در ملخ بوده و غیر از او هم بروایت مورخین چند نفر نام زردشت آمده اند که مروج عقاید زردشت نخستین بوده اند از آن جمله فریدون را زردشت نامی نوشته اند که دخمه فریدون یا کعبه زردشت در استخر فارس باو منسوب است و دیگر جاماسب که زردشت سوم بوده و در زمان داریوش یابدرش هبستاسپ ظهور کرده است .

خاتمه و ملحقات

باز از مطالب که ذیل صفحات کتاب کنجایش نداشته یا از قلم یا در طبع افتاده است بعنوان خاتمه ملحق بکتاب نمودیم .

۱- در ص ۷ (و بقول اهل منطق طرد و عکس) : توضیح این

اصطلاح از ذیل صفحه افتاده است و آن این است : اهل منطق می

گویند « معرف چیزی است که تصور آن مستلزم تصور کنه معرف یا امتیاز آن از ماسوی باشد » - بنا برین چند شرط کرده اند از آنجمله اینکه (مابین معرف و معرف نسبت تساوی باشد نه تباین و عموم و خصوص) و بمقتضای این شرط باید تعریف جامع افراد و مانع اغیار باشد مثلاً اگر در تعریف انسان بگوئیم (جسم حساس متحرك باراده) مانع اغیار نیست زیرا شامل غیر انسان از حیوانات هم می شود - و اگر بگوئیم مثلاً (حیوان ناطقی که قامتش دو ذرع باشد) شامل تمام افراد انسان نمیشود - و از اینجاست که باید دو قضیه در هر تعریف صحیحی صادق باشد یکی اینکه « هر وقت معرف (بکسر راء) صادق است معرف هم (بفتح راء) صادق باشد » یعنی مانع اغیار باشد و از آن نه (طرد) تعبیر کنند و دیگر اینکه « هر وقت معرف (بفتح راء) صادق است معرف (بکسر راء) هم صادق باشد » بعکس قضیه اول یعنی جامع افراد باشد و از آن به (عکس) تعبیر کنند .

۲ - در ص ۹ (ابن اثبار) توضیحی از طبع افتاده است : ابن الباری یا اثباری نام دو نفر است که گاهی بهم اشتباه می شود یکی ابوبکر محمد بن قاسم (متوفی ۳۲۸ هـ) که مؤلف کتب ذیل است :

- ۱ - کتاب الاضداد در نحو ۲ - کتاب الزاهر در معانی کلمات ناس
- ۳ - شرح مفضلیات ۴ - کتاب الايضاح في الوقف والابتداء ۵ -
- کتاب الهاآت في کتاب الله - و دیگر ابوالبرکات عبد الرحمن بن ابو الوفاء که مدرس ادبیات مدرسه نظامیه بغداد بوده و صاحب تالیفات

ذیل است ۱- تزهة الالباء في طبقات الادباء ۲- اسرار العربیه در نحو
 ۳- الانصاف في مسائل الخلاف بين النحویین ۴- لمعة الادله في
 اصول النحو ۵- الاغراب في جمل الاعراب ۶- عمدة الادباء في
 معرفة ما يكتب فيه بالالف والياء ۷- الفاظ الاشياء و النظایر -
 وفاتش در (۵۷۷) هجری واقع شده است - بعضی برای رفع اشتباه
 اولی را بعنوان (ابن الباری) و دومی را بعنوان (الباری) ترجمه کرده اند
 ۳- در ص ۱۸ راجع بلفظ (هگز) : این حاشیه در موقع پاك
 نویسی از قلم ما افتاده است * معلوم باد که این لفظ در اشعار متقدمین
 استعمال شده است ناصر خسرو در يك قصیده چهار مرتبه این لفظ را
 استعمال کرده است : هر روز روز کار نویدی دگر دعوت) (کن را هگز یزد
 نخواهی همی خرام (ایضاً) جز رنج کی هگز بینی نواز خیس) (جز
 رنج کی بدید هگز از ز کام کام (ایضاً) من دست خویش در رسن دین
 حق زدم) (از تو هگز جست نخواهم نشان و نام)

۴- ایضاً در ص ۱۸ حاشیه بعد از کلمه قزوبی است يك جمله
 در طبع افتاده است و صحیح این است * وان مخفف ابوالفرج است که
 باینصورت نوشته میشود و نظیر آن در عربی بلحارث و امثال آن است
 که مخفف بنی الحارث است و بعض کلمات هم مانند بلهوس و بلعجب
 داریم که الفخ .

۵- در حاشیه ص ۲۷ راجع براغب اصفهانی این جمله افتاده
 است : صاحب روضات این تاریخ وفات را از مؤلف تاریخ اخبار البشر

نقل کرده است و جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغة العربیه ص ۴۴ ج ۳ تاریخ وفات راغب را (۵۰۲) نوشته است .

در ص ۴۶ سطر (۱۶) بعد از لفظ (ثانیاً) عبارت سقط دارد و صحیح این است « ثانیاً بحث در تأثیرات مخارجی در لغت پس از اختلاط صاحبان آن باملد دیگر و کسب الفاظ و لغات و تعبیرات ایشان . ثالثاً بحث در محتویات و ثروتهای الخ » .

۷ - ص ۶۸ سطر آخر بعد از لفظ « یجمع الفصحی این عبارت افتاده است « ولی این قول با روایت چهارمقاله نظامی عروضی که در ص ۲۴ ازین کتاب نقل کرده‌ایم تنافی دارد زیرا بنا بر روایت چهارمقاله ابوبکر ازرقی نزد طغانشاه بن الب ارسلان بوده است نه طغانشاه بن مؤید » .

۸ - ص ۷۴ راجع باحتمال صاحب المعجم که رودکی مخترع رباعی است این حاشیه از قلم افتاده است که « در تذکره دولتشاه سمرقندی اختراع رباعی بزمان صفاریان نسبت داده شده است و جووزبازی را بیسر یعقوب بن لیث صفاری مربوط کرده است ملخص کلامش اینکه یعقوب لیث را پسر کوچکی بود که خیلی او را دوست میداشت و روز عیدی امیرزاده با کودکان جووزبازی و یعقوب تماشا میکرد - امیرزاده هفت جووز بکوانداخت و یکی بیرون جست و بعد از لمحه بقیه‌گیری برکشت - امیرزاده از غایت ابتهاج بزبانش گذشت که (غلطان غلطان همی رود قالب گو) . امیر یعقوب را این کلام خوش آمده ندما و وزراء

را خواست که در آن تحقیق کنند. ابو دلف عجمی و ابن الکعب با اتفاق مشغول تحقیق شدند و آنرا از بحر هزج یافتند و بتقطیع مصرعی مطابق آن نمودند و بعد از آن يك بيت ديگر بر آن افزوده آنرا دو بيتي نام نهادند و بعدها دو بيتي را رباعي نامیدند.»

۹ - ص ۲۵۷ سطر (۱۲) حاشیه از طبع افتاده است «جرجی زبدان (شهرزاد) ضبط کرده و مطابق ضبط بعض محققین (شهربراز) صحیح است که از سرداران نامی زمان خسرو پرویز بوده است در ردیف سردار دیگر موسوم به (شاهین) و در تاریخ اندان فروغی (شهربراز) نوشته شده است.

۱۰ - داستان ایلید و ادیسه

هُمَر (Homère) یا ضبط مورخین عرب (اومیرس) از شعرای مهم قدیم یونان است - قدما او را شخص تاریخی میدانسته اند ولی در متأخرین اختلاف شده است برخی از متبعین از قبیل: کازوبون فرانسوی (۱۶۱۴ - ۱۵۵۶) (Casaubon) و وود انگلیسی (۱۶۹۵ - ۱۶۲۳) (Vvood) و هدلن (۱۶۷۲ - ۱۶۰۴) (Hedelin) کشیش اوبیگ (Aubignac) و اکوست ولف آلمانی (۱۸۲۴ - ۱۷۵۷) (Valf) اصلا منکر وجود همر شده و او را شخص تاریخی ندانسته اند و برخی از قبیل گرگور نیس (۱۸۱۶ - ۱۷۹۰) (Gregor nitzsch) و مولر (۱۸۴۰)

۱۷۹۷ (Muller) عقیده منکرین را رد کرده اند و طرفین را دلائلی است که از ایراد آنها صرف نظر کردیم. - بر فرض وجود در وطن و زمان او نیز اختلاف دارند وطن او را هاین چند شهر از آسیای صغیر گفته و زمان او را هاین قرن دوازدهم و هشتم قبل از میلاد نوشته اند و جمعی معتقدند که در اواخر قرن دهم یا اوائل نهم قبل از میلاد بوده است.

همر بنا بر عقیده موافقین مؤلف و ناظم چند داستان ادبی است که از همه مهمتر دو داستان ایلیاد (Iliade) و ادیسه (Odyssee) است - و بعضی معتقدند که این دو داستان بالتمام ککار یک نفر مثل (همر) نیست بلکه عدّه زیادی از شرا آنها را ساخته اند ولی اغلب سازنده ها آنها را بایکدیگر حفظ کرده و یکجا میخوانده اند داستان ایلیاد مهمتر از ادیسه و مشتمل بر شرح جنگهای یونان است با (Troie) که قدیمآ ایالت یا شهر مهمی بوده است از آسیای صغیر - این داستان حاوی بیست و چهار سرود است که از قدیمترین اشعار یونانیان محسوب میشود و لفظ ایلیاد بقول بعضی ماخوذ است از ایلیون (ilion) که پایتخت مملکت تروا بوده است - داستان ادیسه نیز مرکب از بیست و چهار سرود است شامل شرح وقایع مراجعت ادیسه بعد از جنگ تروا بیونان. در خصوص این داستان که بقول بعضی وقوعش چهار صد سال قبل از زمان همر بوده است چنین روایت کرده اند که در آن ایام پریام (Priame) پادشاه تروا بوده و وقتی پسرش موسوم به پاریس (Paris) بواسطه انجام

مقصودی از تروا با سپارت مسافرت کرده و در آنجا همچو همان منلاس (Ménélas) پادشاه اسپارت شده و اتفاقاً منلاس آن موقع در پایتخت حاضر نبوده است - پاریس دختر (بقول بعضی زن) منلاس موسوم به هلن (Hèlèn) را بفریب رفته و از اسپارت فرار کرده و تروا رفته است و آنها بیکدیگر دلبستگی پیدا کرده اند - در تعقیب این اقامه یونانیها از در غیرت در آمده ب فکر انتقام افتادند و پادشاهان که از آنجمله شاهنشاه اکاممن (Agamemnon) بود با هم اتحاد کردند و قشونی کشیده ده سال شهر تروا را محاصره نمودند و با اهالی آنجا جنگیدند ولی بواسطه اینکه هشتی خداوند بزرگ یونانیها با اهالی تروا مساعدت داشت کاری از پیش نبردند تا اینکه بالاخره آشیل (Achille) از پهلوانان یونان که مادرش از رمة النوعها بود یکی از پهلوانان بزرگ تروا را که هکتور (Hector) نام داشت کشت و نفس او را در شهر کردانید ولیکن خود آشیل هم کشته شد و از آن پس در یونانیها ضعف پدید آمد و عاقبت تدبیری کردند باین طور که اسب چوبی ساخته در شکم آن سرداران خود شانرا جای دادند و غفلة وارد شده شهر را گرفتند و آتش زدند و مردان را کشته و زنان را با سیری بردند و بکنیزی فروختند.

بعد از ختم جنگ و فتح تروا یونانیان با سرداران شان در مراجعت گرفتار طوفان شدیدی شده همه آنها غرق شدند جز بکنفر ادیس با اولیس (Ulysse) که از همه زیرکتر و چابکتر بود ویس از

زحمات بسیار یونان مراجعت نمود .

۱۱ - ودا Védas

در چند جا ازین کتاب نام (ودا) برده شده و الحق شایسته این است که خوانندگان ازین قسمت که از زرکترین یادکار های قدیم مذهبی و تاریخی و ادبی آریتهاست اطلاعی داشته باشند .

قومی در هندوستان بالغ بر دوست میلیون در اطراف و حوالی رود کنک متفرقند و شهر مقدس آنها شهر یتارس است که به (باب السماء) معروف است - آتقوم را (براهمه) گویند که دارای مذهب مخصوص هستند بقول بعضی - مذهب برهمنی تقریباً یازده قرن قبل از میلاد ظاهر شده و اصلش از مذهب قدیم ودی است که کتاب مقدس آن ودا میباشد .

کتاب ودا - قدیمترین یادکار زبان سانسکریت و یکی از کتب ادبی مهم دنیاست - لفظ ودا از کلمه وید (Vid) مأخوذ است که بمعنی دانش و فرهنگ و کشف و جستجوست - کتاب ودا بچهار قسمت منقسم میشود ۱- ریک ودا (Rig véda) که در حقیقت کتاب نعمات مذهبی است ۲- یاجور ودا (Yadjour véda) مشتمل بر رسوم و آداب مذهبی ۳- ساودا (Sama véda) که نتیجه و تلخیص مانندی است از دو قسمت اولی ۴- اتراوان ودا (Ataraven véda) که مشتمل بر غرایب و عجایب مذهبی است

هریک از چهار بخش مذکور در مواقع معیننه بواسطه شخص مخصوص قرائت میشود: قرائت ریک ودا بشخص خلیفه و یاجور برئیس قربانیدها و ساما بخطیب مخصوص و آواروان ودا یکی از رؤسای براهمه اختصاص دارد. هر چهار قسمت ودا از نقطه نظر تاریخی و اهمیت ادبی برابر و واجع بیک زمان و بیک زبان نیست بلکه دو قسم اول (ریک ودا - یاجور ودا) بر دو قسم دیگر هم از حیث تاریخ و هم از جهات دیگر تقدّم دارد - ریک ودا از یاجور هم مهمتر است - تاریخ تالیف ریک ودا را اغلب محققین مابین قرن ۱۴ و هشتم قبل از میلاد گفته اند و برخی بطور تعیین بقرن (۱۲ ق م) مربوط کرده اند و نسبت بریک ودا تاریخ تالیف آواروان ودا خیلی تازه تر است کتاب ریک ودا سرایا سرودها و ترانه های ادبی و مذهبی و حاوی قدیمترین داستانهای تاریخی نرّاد اری است - و بقول بعضی تمام ودا را سیصد نفر شاعر هندی تالیف کرده اند و خود هندو ودارا از کتب آسمانی و از آثار برهما میدانند و گویا قبل از وضع خط سانسکریت قسمت قدیم ودا سینه بسینه بطور نقل میگردیده است. عده دعوات و سرودهای مذهبی ریک ودا که رب النوعهای مختلف خطاب میشود هزار و اندی است یکی از دعوات و سرودها راجع به رب النوع اول آگنی (Agni - آتش) است که تمام مرد و زن متفقاً بقرائت آن پرداخته حرارت و نور آتش را سیاسکنداری میکنند. و بعد از آتش رتبه اندرا (Indra) است که حکم زوپیتر (Jupiter) یونان را دارد که بواسطه صاعقه مسلح و گاهی در فضا تیر شهاب یرتاب نماید و بعقیده آنها در صورتیکه قدرت ویشنو (Vichnou) یعنی خدائیکه قبل از همه چیز موجود

بوده است همراه اندرا باشد تیتانها (titans) یا جنود شیطین را که رئیس آنها وریترا (Vritra) است بواسطه نیرشهاب و صاعقه باری فراری دهد. — اندرا نزد ایشان رب النوع کاینات جوئی یاخدای جو و فرستنده باران و درخشاننده خورشید است. — یکی از سرودهای ریک ودا راجع به اندرا این است « ای اندرای قادر وقتی که میخواهی امواج را بحرکت در آورده در هر نقطه از هوا صفا بخشی، در حالت نشاط که بساط سعادت ما را میکسترانی، توئی که وریترا را میزنی و برای ما اقیانوسی از باران میفرستی » الخ.

باز در یکی از لغات اندرا را مخاطب ساخته چنین میگویند « ای اندرا! ما متعلق بتو هستیم و اعتماد ما برتست، لغات ما متوجه بتو، نیاز ما بدرکاه تو، آوازهای ما برای تست، قوت تو مانند آسمان منبسط و پشت زمین از هیبت عظمت تو خم گشته است » الخ.

پس از اگنی (آتش) و اندرا (قوه قادره) رتبه ساروته (Marouté) یعنی خداوندان باد و سوریا (Sourya) یعنی آفتاب است که در دعوات خود از آنها استمداد می جویند.

در یکی از سرودها و دعوات آنها راجع بستایش (فجر) و استمداد از آن این مضامین است « فجر مانند یک مادر خانواده برای حمایت عالم حاضر گشته دیو شب را توقیف مینماید، فجر ما را بنیایش میخواند از طلوع آفتاب بشارت داده عالم را شرق دریای نور میسازد، ای فجر! ای دختر آسمان! طالع شو! بیا و سراسر کیتی را نورانی کن، برای ما

دولت و ثروت بیاورد ، الخ .
چنانکه مکرر نوشته ام کتاب ودا بزرگترین و قدیمترین یادگار ادبی و تاریخی هند بهاست . - مدتها گذشته بود که هیچکس حتی کنجکاران و محققین اروپا نتوانسته بودند از حقیقت این کتاب و این مذهب اطلاعی پیدا کنند .

تا اینکه بالاخره چند نفر از علمای انگلیس مانند ویلیام جونز (William Jones ۱۷۹۴ - ۱۷۴۶ م) ، کولبروک (Col-brouk) ، ویلکنس (Wilkins) ، غیره در پی این کار برآمده با برآهمه ارتباط یافتند و باجدیدت و زحمت بسیار محل اعتماد آنها شدند و ازین راه توانستند که از زبان و مذهب برآهمه اطلاعی پیدا کنند .

درابتدا قوانین مانو (Manou) که از کتب نفیس مذهبی برآهمه است بواسطه ویلیام جونز ترجمه و در کلکته طبع شد و پس از آن ماهابهاراته و رامیانا که مشتمل بر حماسه های ملی و اولی در حدود دو بیت هزار بیت و دومی در حدود پنجاه هزار بیت است بار اول در کلکته و بعد از آن در پاریس طبع شد . و اخیراً پورانا (Pourânas) بواسطه (M. h. wilson) انگلیسی و بورنوف (Bournouf) فرانسوی طبع شد .

تاکنون تمام وداها بطور کامل ترجمه و نشر نشده است . فقط ریک ودا بطور کامل و قطعاتی از باجور و اتاروان ودا ترجمه شده است

- ترجمه انگلیسی ریک ودا در اُکسفرْد (Oxforde) بواسطه
 هاكس موار آلمانی (Max müller ۱۸۲۳ - ۱۹۰۰) در
 ۱۸۵۴ - ۱۸۴۹ و یکی دیگر در همان شهر بتاريخ (۱۸۵۰ م)
 بواسطه (M. h. wilson) و یکی دیگر در فرانسه در تحت عنوان
 ريك ودا با کتاب لغات مذهبی که بواسطه (M. langlois)
 صاحب منصب و عضو اکادمی فرانسه (۱۸۳۹ - ۱۹۱۲ م) ترجمه
 شده بود منتشر گشت . و فاضل مستشرق (M. em bournof)
 نیز راجع به دا مجموعه مفیدی تألیف کرده است . مجموعه دیگر نیز موسوم
 به (Des védas) در تاریخ ۱۸۵۴ از طرف مستشرق سیاسی
 دان فیلیوف فرانسه (M. barthélemy saint - helaire)
 ۱۸۰۵ - ۱۸۹۵ م) تألیف و منتشر شده . - M. pictet de-
 (larive) نیز در کتاب آریزهای قدیم قسمتی از ودا را درج کرده
 است - میشله قسمتی از مضامین اشعار و دارا بنظم در آورده است .
 این نکته خیلی قابل اهمیت است که گذشته از آداب و اصول
 مذهبی و زبان ودا و اوستا می بینیم که جزئیات دیگر این دو زبان و
 این دو کتاب بی نهایت بیکدیگر شبیه است بطوریکه با اندک ملاحظه
 میتوان دریافت که این دو زبان و دو کتاب (ودا - اوستا) حکم
 دو برادر شبیه بیکدیگر در يك خانواده دارد و دقت کامل در جزئیات
 این مطلب سر رشته یی حقایق تاریخی و ادبی و مذهبی را بدست ما
 خواهد داد و الله الموفق .

سپاس خداوند را که جزء اول از رشته تالیفات ناقابل امام و
هدیه ارباب ادب گشت .

تم الكتاب بعون الملك الوهاب



محض قدر دانی کوشزد قارئین میکنیم که خیلی از مدارک معتبر ما را از کتب فارسی
و عربی و فرانسه کتابخانه دولتی تبریز تهیه کرد و از مدیر این مؤسسه عام المنفعه آقای میرزا
علی اکبر خان صبیعی امتنان داریم که بدون مضایقه در دادن کتاب خیلی با کمک کرده اند

فهرست مطالب بخش اول

﴿ از تاریخ ادبیات ایران ﴾

صفحه	صفحه
۱۲	تعریف علم اشتقاق و اقسام آن
۱۴	تعریف علم خط
۱۵	تعریف علم نحو
۱۵	تعریف معانی
۱۶	تعریف علم بیان
۱۶	تعریف علم بدیع
۱۶	تعریف علم عروض
۱۶	تعریف علم قافیه
۱۶	تعریف فرض الشعر یا نقد الشعر
	تعریف و موضوع و فائده ادب و ادبیات
	باصطلاح قدما
	۱
	ادب درس و ادب نفس
	۵
	تعبیر مؤلف در تعریف و موضوع علم ادب
	۷
	ارکان علم ادب
	۸
	علوم ادبیه و عده آنها
	۹
	وجه تقسیم بعضی علوم ادبیه را بدوازده علم
	۱۰
	تعریف علم صرف
	۱۱
	تعریف علم لغت
	۱۲

صفحه	صفحه
۶۳	۲۱
ارتباط انقلاب ادبی با انقلاب سیاسی	تعریف علم انشاء
تغییر علوم و آداب و صنایع بواسطه	۲۲
اختلاط ملل با یکدیگر	۲۸
۶۴	۲۸
شعر و نظم و نثر	تعریف علم انساب
۶۴	۲۸
تعریف نظم و اقسام آن در فارسی	تعریف علم مسالك و ممالك
۶۵	۲۸
تعریف نثر	تعریف علم احادیث و اغلوحدات
۶۶	۲۹
قصیده و جهانی که در آن دخیل است	علم امثال
۶۹	۲۹
غزل	علم دواوین
۶۹	۲۹
غزل	عقده فکارنده راجع به علوم ادبیه
۶۹	۳۴
مقتضب یا محدود	مراد از ادب و ادبیات با اصطلاح اروپائیان
۷۰	
نسب و تشبیب	شعراى قدیم اسلامی و ادبیات با اصطلاح
۷۳	۳۶
رباعی یا (ترانه)	جدید
۷۴	۴۰
اختراع رباعی و اوزان آن	مراد از تاریخ ادبیات
۷۶	۴۱
فرق مابین رباعی و دو بیتی	تاریخ لغت
۷۶	۴۵
مشنوی یا (مزدوج)	ارتقاء ادبیات و لغات
۷۷	۴۷
قطعه	عواملی که در ادبیات موثر است
۷۹	۴۹
مسطح	تأثیر محیط در ادبیات
۸۱	۵۶
ترکیب بند و ترجیع بند	تأثیر نژاد در ادبیات
۸۴	۵۷
مجادله و خطابه و کتابت از اقسام نثر	تأثیر احتیاج در ادبیات
۸۴	۵۷
نثر مرسل و مسجع	اختلاف ادبیات، باختلاف زمان
۸۵	
اقسام مشهور نثر بنا بر اصطلاح اروپائیان	اختلاف ادبیات بواسطه اختلاف
۸۶	۵۹
فصاحت سیاسی	استعدادات

صفحه	صفحه
۱۲۴	فصاحت محامات ۸۶
	رسائل ۸۶
۱۳۰	فرفهف و حقیقت شعر و فرق آن با عظم ۸۷
۱۳۲	اقسام شعر مطابق تقسیم ادبای قدیم
۱۳۴	فارسی و عرب ۹۴
	اقسام شعر مطابق تقسیم اروپائیان ۹۵
۱۳۴	شعر قصصی - عنائی - نسلی ۹۶
۱۳۷	درام - تراژدی - کمدی ۹۷
۱۳۸	آثار پیدایش شعر در اروپا و ملل عالم
۱۳۸	واحوالی که بر آن وارد شده است ۹۸
۱۴۲	شعر و موسیقی و رقص ۱۰۰
	وزن شعر ۱۰۲
۱۴۵	بطن و عروض فارسی امروزی ۱۰۶
۱۴۶	تاریخ پیدایش اقسام شعر ۱۰۸
۱۴۸	قدسترین منظومات عالم ۱۰۹
	وحدود اقسام شعر و اثر اصطلاح قدما
۱۵۱	و متحدین در زبان فارسی ۱۱۰
۱۵۲	تقسیم تاریخ ادبیات ایران ۱۱۴
۱۵۴	دوره قدیم اول قبل از اسلام ۱۱۴
۱۵۶	زبان در دوره قدیم اول ۱۱۶
	زبانهای آری ۱۲۰
	زبان رند و ساسکرت ۱۲۲
	فصول بحرف الفبا
	تحول لغات و زبان و سبکی در
	زبان ایرانیا
	ادوار مختلف زبان فارسی
	زبان فارس قدیم
	آثار فارس قدیم یا کتبه های دوره
	هخامنشی
	خط و زبانهای کتبه های هخامنشی
	دو کتیبه بستان و نقش رستم
	قسمتی از ترجمه کتیبه بستان
	قسمتی از ترجمه کتیبه نقش رستم
	نمونه ارغما و ترکیبات زبان فارس
	قدیم هخامنشی
	خط در دوره قدیم اول
	خط صحیح پارسی
	کشف زبان فارس قدیم و فرائض
	خط صحیح
	شعر در دوره قدیم اول
	نثر و تاریخ و خطابه در دوره قدیم اول
	علوم در دوره قدیم اول
	دوره هرت و انحطاط ادبی قبل از اسلام
	اسلام و تأثیر عله اسکندر و اختلاف
	از اشکال و در ادبیات ایران

صفحه	
۱۶۸	زبان و خط علوم و آداب در دوره اسکندری و اشکانی
۱۷۰	خط پهلوی در دوره اشکانیان
۱۷۶	موسیقی در دوره ساسانی و اسامی الحان
۱۸۰	معماری فارسی
۱۸۶	اسامی سی لحن نازید از روی اشعار
۱۸۸	سیستمی ما تصحیح
۱۹۱	شعر در دوره ساسانی
۱۹۲	نمونه از اشعار پهلوی و تحقیق در
۱۹۴	اشعار آن عصر
۱۹۶	تحقیق در شعر فارسی منسوب بهرام گور
۱۹۷	علوم در دوره ساسانی
۱۹۹	طب و طبیبان در عهد ساسانی
۲۰۲	فلسفه و حکمت و منطق در عهد ساسانی
۲۰۵	ریاضیات و نجوم و هیئت در عهد ساسانی
۲۰۶	تحقیق در سال و ماه پارسیان قدیم
	نثر و خطاه و تاریخ و حکم و امثال
	در دوره ساسانیان
	نمونه نثر دوره ساسانی
	کتب و مؤلفات ایرانیان قبل از اسلام
	فاحشود ۴۶ کتاب و تحقیق در آنها
	و تعیین آنچه بعد از اسلام معرفی
	نقل شده است
	تاریخ کتاب کلبه و دمه (در حاشیه)

2
1

1

2

صفحه	سطر	خطا	صواب	صفحه	سطر	خطا	صواب
۱۰۸				آخر ایلید و ادیسه و داوگانا	۱۲۴	۱۰	میشو میشود
				— ایلید و ادیسه و داوگانا	۱۲۵	۱۰	عمّا عمّا
۱۱۰	۴	قران	قرن		۱۲۵	۱۱	(۳۰۰ ق م)
۱۱۰	۷-۶		از عرشهاست				(۳۰۰ ق م)
			عربی الاصل است	۱۲۸	۲		مشرقین رن
۱۱۱	۱۱	شاهنامه اوستا		مشرقین قرن			
			شاهنامه اوستا	۱۲۹	۲		مدیبا مدیبا
۱۱۲	۲	اکثر	اکثر	۱۳۰	۱۰		مشرقین مشرقین
۱۱۲		آخر بشر	بشه	۱۳۱	۱۵		رباعی بابلی
۱۱۳	۵	وبازبها	بازبها	۱۳۲	۱۰		لهجه لهجه
۱۱۶	۳	بقای	بقای	۱۳۲	۱۰		نتیجه نتیجه
۱۱۷	۱۰	اریائی	ارویدائی	۱۳۲	۱۵		وجودهم وجود
۱۱۷	۱۵	لهجه (آبران)		۱۳۳	۱۳		علوم معلوم
			لهجه آبران	۱۳۴	۷		اواخر دوره اواخر آن دوره
۱۱۹	۹	بشعبه	شعبه	۱۳۴	۸		مسطوراست مسطورات
۱۲۱	۳	باشد	شد	۱۳۸	۷		اهمیت اهمیت
۱۲۱	۱۳	السنة	السنة	۱۳۸	۸		کتیبه کتیبه
۱۲۲	۷	سانسکریت	سانسکریت	۱۴۱	۱۷		دروغ دوزخ
۱۲۴	۴	العلمائی	العملهائی	۱۴۱	۱۹		بیشتر بیشتر

صفحه	سطر	خطا	صواب	صفحه	سطر	خط	صواب
۱۴۴	۱۳	سانکریت	سانکریت	۱۶۹	۹	یفر از اشکافی	
۱۴۵	۱۴	هخمنیسیا	هخمنیسیا			نفر از سلاطین اشکافی	
۱۲۶	۲	هخمنیسیا	هخمنیسیا	۱۶۹	۱۴	حقیقی	حقیقی
۱۴۷	۱۷	است	اند	۱۶۹	۱۷	مستعبدتتوان ته اند	
۱۴۷	۱۷	اینکه	اینکه			مستعبد نداسته اند	
۱۴۸	۱	حقیقت	حقیقت	۱۷۰	۱	یک چند	چند
۱۴۸	۲	بعلاوه	بعلاوه	۱۷۵	۷	معها	معها
۱۴۸	۱۰	راجع	و راجع	۱۷۶	۹	(۶۵)	۶۵۰
۱۵۰	۱۵	پاری	پارسی	۱۷۷		در حاشیه صورت محاسبه اینطور	
۱۵۲	۵	زرمی	زرمی			باید نوشته شود:	
۱۵۲	۱۶	در عالم	عالم			$1348 + 622 = 40$	$1348 - 33 = 40$
۱۵۲	۱۷	قدیمی	قدیمه			(۱۹۳۰) $40 = 1970$	و (۱۹۸۰)
۱۵۳	۲	اخلاقی	اخلاقی	۱۸۳	۳	اد	ادبی
۱۵۴	۴	ایران است	ایران شده است	۱۸۳	۱۶	ناچار	ناچار
۱۵۴	۱۶	مینموده	مینموده اند	۱۹۰	۱	همان دوره	همان
۱۵۱	۱۵	آنها	آنها را	۱۹۱	۱۲	در خط	از دو خط
۱۵۱	آخر	و بطلمیوس	بطلمیوس	۱۹۲	۳	آخری را	آخری
۱۶۰	۴	که و	که	۱۹۲	۴	تبدیل	تبدیل یافته
۱۶۰	۱۷	سلوکیدمی	سلوکیدمی	۱۹۲	۱۱	بوده اند	بوده

صفحه	سطر	خطا	صواب	صفحه	سطر	خطا	صواب
۱۹۲	۱۲	نوشته است	نوشته	۲۰۵	۱۰	فوهنك	فوهنك
		میشده است		۲۰۷	۱۰	درهن	درهن
۱۹۴	آخر	بل	قبل	۲۰۷	۱۶	سحا	سحا
۱۹۴	آخر	فارسی (رومی)		۲۰۹	۷	تراکيب	تراکيب
		فارسی و (رومی)		۲۰۹	۸	نظم	نظم
۱۹۶	۵	موبدان	موبدان	۲۱۲	۳	شخص برای سادات	شخصی برای سادات
۱۹۶	۱۷	(صدا)	(سیدا)				
۱۹۷	۵	خونندکی	خوانندکی	۲۱۶	۱۰	نخت	نخت
۱۹۸	۱۰	(پارتاوا)	(پارتاوا)	۲۱۶	۱۲	سبز دوسبز	سبز دوسبز
۱۹۸	۱۳	پارهاو	پارهاو	۲۱۶	۱۶	نابروز	نابروز
۱۹۹	۳	فارسی کاهی	کاهی	۲۱۷	۹	ازادوار	ازادوار
۲۰۰	۶	اردشبر	اردشبر	۲۱۷	۱۰	باخوز	باخوز
۲۰۰	۱۵	برادر	بردر	۲۱۷	۱۴	شهرروز	شهرروز
۲۰۱	۱	الحال	حال	۲۱۷	۱۶	چغانه پرده خرم	چغانه پرده خرم
۲۰۱	۱۳	معمو	معمول				
۲۰۱	۱۳	داشته	داشته اند	۲۱۹	۵	خورشید	خورشید
۲۰۲	۱۷	درالتیجان	نقل از	۲۲۰	۱۰	سیاشان	سیاوشان
		درالتیجان		۲۲۰	۱۲	باز	باز
۲۰۴	۱	یا اینکه	با اینکه	۲۲۴	۲	جمعی	جمعی

صفحه	سطر	خطا	صواب	صفحه	سطر	خطا	صواب
۲۲۴	۴	بود	بوده	۲۴۲	۱	خسرو اینین	خسرو اینین
۲۲۴	۱۳	نقی زاده	نقی زاده	۲۴۲	۶	از قبیل	از قبیل
۲۲۴	آخر	آنها	آنها را	۲۴۲	۸	آشوریها	آشوریها از قبیل آشوریها
۲۲۶	۱۸	آواز	آوازی است	۲۴۸	۱۸	اردشیر	از اردشیر
۲۲۹	۲	نشسته	می نشسته	۲۴۸	۱۹	تقدر وان	تختمو
۲۳۰	۳	میسود	میشود	- تقدروا ان تختموا			
۲۳۰	۱۹	نام	نام	۲۵۶	۱۳	و دیگر	که ضمن ده -
۲۳۱	۲	خواهم	خواهد	- سال آ را در دو هزار بیت نظم کرده و دیگر			
۲۳۳	۱۸	bo	۷۵	۲۵۶	۱۸	و طبع	و در پاریس
۲۳۴	۶	یکانا	یکانا	- و مصر و بیروت طبع			
۲۳۶	۳	آن شله	آن شیر شله	۲۵۷	۱۲	شهر یزاد	شهر راز
۲۳۶	۱۲	تعبیر	تعبیر	۲۵۸	۵	شرا باز	شرا یار
۲۳۸	آخر	با کسافی	یا کسافی	۲۵۸	۷	بز کرد	یزد کرد
۲۳۹	۸	ساز	ساز	۲۶۱	۱۰	راجح	راجح
۲۳۹	۹	تاریجی	تاریخی	۲۶۳	۴	ایرینان	ایرانیان
۲۳۹	۱۸	تحصیل	تحصیل	۲۶۳	آخر	(دیگر)	(دیگر)
۲۴۰	۱	شعب	و شعب	۲۶۶	۱۱	در راه	در راه
۲۴۰	۶	نضر بن	نضر بن	۲۶۶	آخر	عند	عنه
۲۴۱	۲۳	المنور	النور	۲۶۸	۱۱	بخشی	بخشی

بعضی از تألیفات مؤلف

- ۱- تاریخ ادبیات ایران از قدیمترین
- عصر تاریخی تا عصر حاضر در ۵ جلد
- ۲- کتاب میثت مرکب از سبک قدیم و جدید
- ۳- تاریخ دانشمندان اصفهان
- ۴- کتاب بدیع
- ۵- رساله عروض
- ۶- معانی بیان فارسی
- ۷- کتاب انشاء در دو جلد
- ۸- شرح مدائیات سبع فارسی
- ۹- یکدوره فلسفه فارسی
- ۱۰- شرح مشکلات اسفار بحرانی
- ۱۱- کتاب اوث استدلالی فارسی
- ۱۲- شرح مشکلات بحریر اقلیدس از مقاله اول تا مقاله هفتم
- ۱۳- شرح مشکلات مطول و اسرار البلاغه
- ۱۴- تاریخ علما و دانشمندان ایران

قسمتی از انتشارات کتابخانه « ادبیه »

- تاریخ ادبیات ایران جلد اول
- دیوان عمیق بخارائی
- قواعد لنگاریم
- مدل نقاشی ۵ جلد
- دیوان همدم تبریزی
- گلستان اعلی
- انتقاد طلعت با عارفنامه ایرج
- دروس نحویه جلد رابع
- الغناء ذهنی
- جامع عباسی
- دیوان سہائی
- موش و کربہ الوان
- آنچه در تحت طبع است
- تاریخ ادبیات ایران جلد دوم
- مدل نقاشی از ۵ تا ۱۰
- بوستان اعلی با تصحیح و نظریات آقای امیر خیزی